

سایپنتو در بازگشت به استقلال از سایه‌روشن های دوره قبلی درس گرفته است؟

فوتبال هجومی ناکامی در جدال های بزرگ و بدون جام



محمدرضا حاجی عبدالرزاق خبرنگار گروه ورزش

ریکاردو سایپنتو برای نخستین بار در تابستان ۱۴۰۱ و پس از قهرمانی تاریخی استقلال با فرهاد مجیدی، هدایت آبی پوشان را در فصل بیست و دوم لیگ برتر بر عهده گرفت. استقلال مجیدی فصل قبل تر از آن بدون شکست به قهرمانی رسیده بود و سایپنتو میراث دار تیمی شد که انتظارات هواداران از آن در بالاترین سطح قرار داشت. حالا همه چیز مهیا بود تا مربی پرتغالی با سبک پرشور و هجومی خود، راه قهرمان فصل گذشته را ادامه دهد. اما در پایان فصل، با وجود ثبیت آمارهای خوب در فاز هجومی، جامی نصیب استقلال نشد و این ناکامی بزرگ، پرسش هایی اساسی درباره علل این شکست در دل موفقیتهای آماری ایجاد کرد و حالا نیز این ابهام را به وجود آورده که استقلال این بار همراه با مرد پرتغالی موفقیت را تجربه خواهد کرد یا خیر و اگر این بار سایپنتو بازگردد، آیا گزینهای مناسب و مربی پخته تر از گذشته خواهد بود؟

استقلال در اوج حمله، دور از جام

استقلال سایپنتو از نظر آمارهای تهاجمی یکی از برترین تیم های فصل بیست و دوم بود. این تیم با ۵۲ گل زده، عنوان بهترین خط حمله لیگ را از آن خود کرد و نشانه های یک فوتبال هجومی و پرریسک در بازی هایش کاملاً مشهود بود. میانگین ۱۴٫۳ شوت در هر بازی که بالاترین رقم در لیگ به حساب می آمد نشان از میل بالای تیم به خلق موقعیت داشت. اما نقطه اوج عملکرد هجومی آبی ها را باید در امیدگل ۲۴٫۲ دید. آماری که نشان می دهد استقلال در هر بازی موقعیتهایی با احتمال بالای گلزنی خلق می کرد و از این حیث هیچ تیمی در لیگ به پای آن نمی رسید. جالب اینکه امید گل تیم سایپنتو ۱۳ واحد از امید گل تیم فرهاد مجیدی که در فصل بیست و یکم قهرمان ایران شد مثل بسیاری از بخش های مهم دیگر مانند مالکیت توپ بیشتر بود. استقلال فصل با سیستم پایه ۴-۳-۳ وارد زمین می شد، اما در جریان بازی بارها این آرایش به ۲-۴-۱ یا حتی ۳-۴-۳ تغییر شکل می داد تا فشار حملات حفظ شود. وجود دو وینگر سرعتی و تکنیکی همچون محمد مجبی و مهدی قایدی، نقش اساسی در عمق بخشی به حملات داشت و باعث شد استقلال در جناحین به یکی از مرگبارترین تیم های لیگ تبدیل شود. در این میان، ثبیت ۱۸۳ در بیل موفق و نرخ موفقیت ۵۴٫۹ درصدی در نبردهای مستقیم، چهره ای جنگنده و جسور از تیم سایپنتو نشان می داد. این در حالیست که استقلال تنها با میانگین ۸٫۵ شوت مواجه شده در هر بازی، در فاز دفاعی نیز عملکرد نسبتاً قابل قبولی به ثبت رسانده و این یعنی خط دفاع این تیم در بسیاری از بازی ها موفق بود که جریان بازی را از دروازه دور نگه دارد، هر چند در بازی های بزرگ ضعیف هایی در این زمینه دیده شد.

دو وینگری که تفاوت را رقم زدند

در ترکیب هجومی تیم سایپنتو، دو مهره کلیدی بیش از همه خودنمایی می کردند؛ مهدی قایدی و محمد مجبی. این دو وینگر سرعتی و تکنیکی، نقشی انکارناپذیر در خلق موقعیتهای، ایجاد تنوع در حملات و به هم ریختن خطوط دفاعی حریفان داشتند. آمار بالای در بیل موفق استقلال در فصل مذکور (۱۸۳ مورد) و نرخ بالای امیدگل، تا حد زیادی مدیون توانایی های فردی این دو بازیکن بود. با این حال همین وابستگی شدید به عملکرد این دو وینگر باعث شد استقلال در روز هایی که یکی از آن ها مصدوم یا خارج از فرم بود، به شدت افت کند. این وابستگی تاکتیکی یکی از نقاط آسیب پذیر تیم سایپنتو بود که در طول فصل نمود پیدا کرد. نکته مهم تر آنکه حالا در آستانه فصل جدید و در غیاب قایدی و مجبی، پرسش جدی این است که سایپنتو چگونه می خواهد ساختار هجومی تیمش را بدون این دو چهره مؤثر بازسازی کند؟
تنها در صورتی می توان به آینده هجومی این تیم دوباره همراه با سایپنتو امیدوار بود که نفرات جایگزین، نه صرفاً به لحاظ اسمی بلکه از نظر فنی و کیفی در تراز وینگرهای فصل گذشته باشند. در غیر این صورت، نه تنها ساختار تهاجمی استقلال، بلکه فلسفه فوتبال سایپنتو به چالش کشیده خواهد شد.

وقتی دیدارهای بزرگ سرنوشت را عوض کردند

اگرچه استقلال سایپنتو از نظر آمارهای تهاجمی درخشان ظاهر شد و بسیاری از تیم های میانه و پایین جدول را با اقتدار از پیش رو برداشت، اما در آزمون های سرنوشت ساز فصل، ناکام ماند. بزرگ ترین ضربه به شانس قهرمانی استقلال، نه از ضعف فنی مقابل تیم های ضعیف تر، بلکه از نتایج ناامیدکننده در جدال های بزرگ وارد شد. آبی ها در دو دیدار رفت و برگشت مقابل پرسپولیس، تنها یک امتیاز کسب کردند؛ یعنی از ۶ امتیاز ممکن، ۵ امتیاز حیاتی را از دست دادند. مقابل سپاهان، وضعیت حتی وخیم تر بود و این تیم در هر دو بازی شکست خورد و عملاً ۶ امتیاز دیگر را نیز مقابل یک تیم مدعی قهرمانی از دست داد. این یعنی تیم سایپنتو در ۴

بازی حساس مقابل دو رقیب

مستقیم قهرمانی، تنها یک امتیاز گرفت و هیچ بردی به دست نیاورد. شاید اگر فقط یکی از این شکست ها با پیروزی یا حتی تساوی برای استقلال همراه

می شد، معادله قهرمانی شکل دیگری به خود می گرفت. به عبارت دقیق تر، عملکرد ضعیف در مسابقات بزرگ، همان عاملی بود که با وجود آماری رو یایی، قهرمانی را از چنگ استقلال خارج کرد. نکته کلیدی، عدم آمادگی تاکتیکی و روانی تیم در بزنگاه ها بود. سایپنتو در بیشتر بازی ها با سیستم هجومی و رویکرد تهاجمی، تیمش را به میدان فرستاد اما در بازی های بزرگ، این استراتژی با تعدیل شد یا کارآمدی اش را از دست داد. برخی تصمیمات او در چیدمان نفرات، ترکیب اصلی و تعویض های حساس نیز مورد نقد قرار گرفت. به همین دلیل در روز هایی که تیم باید بهترین نسخه خود را ارائه می داد، دچار افت یا ناهماهنگی شد؛ اتفاقی که در بازی برگشت مقابل سپاهان و دربی فینال جام حذفی نیز نمود عینی داشت، بنابراین می توان گفت استقلال سایپتو، تیمی بود که می توانست با فوتبال هجومی اش بدرخشد، اما برای درخشیدن در شب های مهم، به ثبات ذهنی، پختگی تاکتیکی و مدیریت بهتر فشار بازی ها نیاز داشت؛ فاکتورهایی که در مسیر قهرمانی غایب بودند.

فوتبال پرشور، نتایج نیمه تمام!

عملکرد ریکاردو سایپنتو در استقلال، ترکیبی بود از شور و انرژی، فوتبال تهاجمی و البته بی ثباتی در لحظات حساس. یکی از مهم ترین چالش های دوران حضور او در تهران، رفتارش کنار خط بود؛ واکنش های عصبی مکرر، مشاجره با داروان، کادر فنی و بازیکنان حریف، موجب چندین اخراج و محرومیت شد تا جایی که در مقطعی از فصل، استقلال باید بدون سرمربی روی نیمکت، رقابت می کرد. این مسئله نه تنها تمرکز تیم را برهم می زد بلکه عملاً به سلاح روانی رقبای داخلی بدل شده بود. کافی بود حریف با تحریک او، نبض فنی و روانی استقلال را مختل کند. پس از جدایی از استقلال، سایپنتوراهی لیگ قهرس شد و در تیم آپونل عملکردی درخشان داشت؛ قهرمانی در لیگ با آمار قابل قبول، گویای توانمندی فنی او در محیطی با ثبات مدیریتی و آرامش ذهنی بود. اما این روند در مراکش دوام نیاورد؛ او در راجا کازابلانکا فقط دو ماه دوام آورد و به سرعت از سمتش برکنار شد. این تضاد نشان می دهد مدل مربیگری سایپنتو نیازمند محیطی با ساختار مشخص، اعتماد کامل و فضای آرام است؛ در غیر این صورت، کارآمدی او دوام نخواهد داشت. در شرایطی که استقلال برای رقابت با تیم های پرمهره و مدعی قهرمانی آماده می شد، سایپنتو عملاً با بی اعتمادی، کمبود منابع مالی و بی برنامه گی درون باشگاه دست و پنجه نرم می کرد، بنابراین باید گفت اگرچه سایپنتو در فصل ۱۴۰۲-۱۴۰۱ تیمی تماشاگر پسند و هجومی ساخت، اما مجموعه ای از عوامل شامل ناکامی در بازی های بزرگ، عصبی بودن مفرط، بی ثباتی مدیریتی و عدم حمایت ساختاری، مانع تحقق رؤیای قهرمانی شد. حالا که او بار دیگر به استقلال بازگشته، مهم ترین پرسش آن است که آیا شرایط این بار برای موفقیت واقعی او مهیا خواهد شد یا نه؟



فصل جدید فوتبال ایران می تواند پرهیجان تر از دوره گذشته باشد

لیگ جذاب با ۵ مدعی

تیم هایی که وقتش رسیده مدعی باشند

در فصول اخیر یک سری از باشگاه ها بیشترین هزینه را در فصل نقل و انتقالات داشته اند اما هنوز نتوانسته اند خودشان را در جمع مدعیان قهرمانی قرار دهند. باشگاه تراکتور یکی از این تیم ها بود که سال های سال در فصل نقل و انتقالات همواره هزینه های سنگینی را در جذب بازیکن و مربی متحمل می شد اما نمی توانست خودش را در کورس قهرمانی نگه دارد که در نهایت این اتفاق در فصل گذشته رخ داد و محمدرضا زنونزی توانست تیمش را در صدر جدول لیگ برتر ببیند. این تیم حالا با حفظ ۹۰ درصد نفراتش دنبال این است که بتواند در رقابت های بین المللی هم برای خود کسب اعتبار کرده و در لیگ هم جزء مدعیان اصلی قهرمانی باشد. در این بین دو باشگاه گل گهر و فولاد خوزستان هم وقتش رسیده که خودشان را به جمع مدعیان قهرمانی برسانند. دو باشگاهی که همه امکانات لازم را برای تبدیل شدن به یک تیم همیشه مدعی دارند. چه از لحاظ امکانات سخت افزاری و نرم افزاری و چه شرایط مالی. در این بین فولاد با پجیعی گل محمدی توانست روزهای کابوس بارش را به خاطره ها بسپارد و خودش را در جمع ۴ تیم نهایی جدول مسابقات لیگ برساند. پجیعی حالا به دنبال این است تا بعد از به ثبات رساندن و برگرداندن شخصیت تیمش، با جذب چند بازیکن شاخص فولاد را در جمع مدعیان اصلی لیگ برساند.
اواره نتیجه گرفتن در لیگ را خیلی خوب بلد است و حضورش روی نیمکت فولاد باعث شده خیلی از بازیکنان این تیم اعتماد به نفس از دست داده خود را بازیابند. اما اینکه چرا گل گهر سال هاست با این همه هزینه و امکانات نمی تواند خودش را در جمع تیم های مدعی قرار دهد سؤالی است که مدیران این باشگاه باید به آن پاسخ دهند. مهدی

اخیر کوتاه

از دخالت استعدادیاب ها تا ناراحتی مربیان و مدیر آکادمی

مشکلاتی که گریبانگیر آکادمی

پرسپولیس شد

در زمان مدیریت جعفر سمیعی بود که محسن خلیلی با ارائه یک برنامه بلند مدت به عنوان مدیر آکادمی باشگاه پرسپولیس انتخاب شد و توانست تیم های پایه این باشگاه را در همه رده ها به عنوان مدعی اصلی قهرمانی تبدیل کند. اگر چه خلیلی در چهارمین فصل مدیریتش از سوی رضا درویش به نوعی کنار گذاشته شد اما با این حال همه تیم های پایه پرسپولیس بدون تغییر کادرفنی به مسیر خود ادامه داده و عنوان ی خوبی هم در پایان فصل کسب کردند. اما در خاتمه فصل مسابقات رده های پایه، باشگاه پرسپولیس تصمیم گرفت با نظر حمید استیلی چند پیشکسوت خود از جمله جمشید شاه محمندی، سعید نعیم آبادی، بهروز سلطانی و مرتضی فزنی زاده را در دستمزدهای بالا به عنوان استعدادیاب انتخاب کند. بعد از صدور این احکام بود که رضا شاهرودی به عنوان مدیر جدید آکادمی باشگاه پرسپولیس از سوی رضا درویش و حمید استیلی انتخاب شد. در ادامه ادموند بزیک با ترک آکادمی کیا به عنوان معاونت آکادمی باشگاه پرسپولیس انتخاب شد تا او هم نظارتی بر کار مربیان تیم های پایه پرسپولیس داشته باشد. در همین راستا تمرینات تیم های آکادمی پرسپولیس قبل از تعطیلی با چند ناظر برگزار می شد. از استعدادیاب ها آکادمی گرفته تا معاونت و مدیریت آن که هر یک جداگانه نکاتی را به مربیان تیم ها انتقال می دادند. جالب اینکه نه مدیریت و معاونت آکادمی پرسپولیس موافق فعالیت استعدادیاب ها هستند و نه مربیان تیم ها اجازه دخالت به آنها را می دهند. همین مسائل باعث شده مشکلاتی در آکادمی باشگاه به وجود آمده و هر یک از پیشکسوتان مسئول در آکادمی به دنبال این باشند تا سیاست های خود را در این مجموعه پیاده کنند. با شرایط موجود انتظار می رود با شروع مسابقات تیم های پایه تهران (آسیاویژن) شاهد برخی حواشی در آکادمی پرسپولیس باشیم و چه بسا صنادی برخی مربیان این تیم ها هم در بیابند. ناگفته نماند تا چندی پیش حسین یادامکی هم به عنوان معاون ورزشی پرسپولیس سعی می کرد در مسائل مختلف مربوط به آکادمی دخالت داشته باشد که این موضوع با موضع گیری تند رضا شاهرودی مواجه شد و کار به جایی رسید که مدیر آکادمی سرخپوشان یک هفته قهر کرده که با پادرمیانی استیلی برگشت. به هر شکل روندی که در آکادمی پرسپولیس در پیش گرفته شده این آکادمی را از مسیر خوب خودش خارج کرده و ادامه این روند خیلی به سود این باشگاه نخواهد بود.

ادامه واکنش های اهالی ورزش به تجاوز رژیم صهیونی

پیام اتحادیه ژیمناستیک آسیا به مناسبت

شهادت ژیمناست ۸ ساله ایرانی

اهالی ورزش همچنان به محکوم کردن تجاوز رژیم صهیونیستی به خاک ایران ادامه می دهند. ادامدار بودن تجاوز رژیم صهیونیستی به خاک ایران همچنان با واکنش هایی از سوی جامعه ورزش و وبهرو است. اهالی ورزش در صفحات اجتماعی خود تجاوز رژیم صهیونیستی را محکوم کردند. اتحادیه ژیمناستیک آسیا در واکنش به شهادت «تارا حاجی میری» ژیمناست ۸ ساله ایرانی نوشت: «تارا افراد از یک ژیمناست بود. او نماد امید و رحمت بود. نور او هرگز فراموش نخواهد شد. مادر این دوران غم و اندوه در کنار خانواده او و جامعه ژیمناستیک ایران ایستاده ام.» گئورگی گروسیانی، مدافع پیشین باشگاه پرسپولیس نیز در صفحه اجتماعی خود نوشت: «دوستان عزیز در این روزهای دشوار و دردناک کاش می توانستم در کنار شما باشم. ۸ سال رپر بار در ایران گذرانده ام و تنها خاطراتی گرم و محترمانه از مردم آن دارم. نمی خواهم از منظر سیاست سخن بگویم. اکنون مهم ترین مسئله آرامش، امنیت و استواری غیر نظامیان بی گناه است. از صمیم قلب برایشان صلح، سلامت و آرامش آرزو می کنم.» باشگاه های سپاهان، گل گهر، خیبر خرم آباد، مس رفسنجان و آلومینیوم اراکو هم چنین محمد عمری، وریا غفوری، فریلون زئلی و ریحانه مبینی از جمله ورزشکارانی بودند که روز گذشته با انتشار پیام ها و استوری هایی در صفحات مجازی خود به حملات وحشیانه رژیم صهیونی واکنش نشان داده و با مردم ایران ابراز همدردی کردند.

مهاجری: اگر نقاب اسرائیل را بردارید

آمریکا و چند کشور دیگر را می بینید

استقلال ایران خواسته همه ماست

رضا مهاجری، مربی فصل پیش نساجی در درباره حمله رژیم صهیونیستی به کشور مان گفت: «ما همان وطنی هستیم که هشت سال دفاع مقدس داشت و حالا فقط شیوه جنگ تغییر کرده است. حتی برخی از اهالی ورزش و هنر که پیش تر موضع گیری هایی مغایر با سیاست های نظام جمهوری اسلامی داشتند، در زمان جنگ و به خطر افتادن کشور محکم ایستادند و واکنش نشان دادند. استقلال ایران خواسته همه ماست.» وی درباره حمایت کشورهای غربی از رژیم صهیونیستی عنوان کرد: «همانطور که در جنگ هشت ساله صرماً عراق مقابل ما نبود و با بسیاری از کشورهای جنگیدیم، الان هم کشورهای زیادی هستند که از اسرائیل پشتیبانی می کنند. اگر نقاب اسرائیل را بردارید، آمریکا و چند کشور دیگر را پشت این نقاب می بینید.»

عواملی که جلوی بازگشت حیدری را خواهند گرفت

سایپنتو مربی جدید ایرانی انتخاب می کند؟

ریکاردو سایپنتو، سرمربی پرتغالی سابق استقلال در حالی در آستانه بازگشت به نیمکت این تیم قرار دارد که در حال حاضر صحبت هایی از دستیار ایرانی این چهره به گوش می رسد. این در حالی است که بر اساس شنیده ها قرار است سایپنتو به همراه چهار یا پنج دستیار پرتغالی برای هدایت استقلال به تهران سفر کند. اما اینکه در این برهه زمانی کدام یک از مربیان ایرانی که احیاناً از پیشکسوتان استقلال خواهند بود به عنوان دستیار این سرمربی پرتغالی کادر وی را تکمیل خواهند کرد از ابهاماتی است که تا زمان قطعی شدن قرارداد با سایپنتو بعید است بر طرف شود. نکته قابل توجه اینکه شنیده می شود در صورت بازگشت سرمربی سابق پرتغالی استقلال احتمالاً یک بار دیگر خسرو حیدری که دفعه قبل نیز به همراه سایپنتو به عنوان دستیار ایرانی وی در کادر استقلال حضور داشت دوباره گزینیه مربیگری در این تیم شود که بر اساس شنیده ها به نظر می رسد این امر متنی باشد. خسرو حیدری که از سال گذشته هدایت تیم امید استقلال را بر عهده گرفت برای فصل جدید نیز همچنان در آکادمی استقلال ماندگار است. این در شرایطی است که شنیده می شود قرار است سمت معاونت آکادمی نیز به این چهره واگذار شود. از سوی دیگر به نظر می رسد کسب نتایج نه چندان مناسب در فصل گذشته در تیم امید استقلال از یک سو عدم معرفی استعداد های آکادمی به تیم بزگسالان، عیار حیدری را مشخص کرده باشد و همین موضوع نیز به همراه تداوم فعالیت این چهره در آکادمی، پرونده بازگشت یکی از پیشکسوتان محبوب هواداران استقلال به کادر سایپنتو را بسته باشد.